

از ایران داد در دنیا تراوید جهان مرهون ایران ایرانست جاوید
سپس طومار زرین بر گشودند زخامه مشک بر کافور سودند
اوشند آنچه را بی برده گفتند بس آنکه روی در برده نرفتند

يك كنفرانس مهم ادبی

پروفسور محترم و مستشرق شهیر فرانسوی جناب مسیو
(هانری ماسه) چندی است بطهران ورود فرموده و چشم دل ادبا و
دانشمندان را بیدار خود روشن و شاد ساخته اند
(هانری ماسه) در دانستن السنه شرقیه مخصوصا فارسی و
عربی و شناختن ادبا و شعرای بزرگ فارسی زبان امروز در فرانسه بلسگه
در تمام اروپا بی نظیر و صدق این مدعا را کتابی که در شرح
حال و زندگی افتخار ملك فارس شیخ سعدی علیه الرحمه نگاشته
گواه آستین است

این اوقات نیز بر حسب تقاضای بنده نگارنده و سایر رفقای
ادبی در نظر گرفته است که شرح حال حکیم سخن سنج و استاد
بزرگ (نظامی گنجوی قمی) را نیز در کتاب مخصوص نگاشته
بزرگترین شاعر بشریت را به اروپا معرفی کند میهمان عزیز ما
(هانری ماسه) (خوش درخشید ولی دولت مستجل بود) یعنی از
درخت برومندش هنوز دوستان میوه ادب نچیده بار سفر بر بست و
و هزار قافله دل به همراه برد.

آن سفر کرده که صد قافله دل همراهِ او است
هر کجا هست خدایا سلامت دارش
مستشرق محترم در موقع اقامت طهران (گرچه مدت بسی کوتاه بود)
بر حسب تقاضای انجمن ادبی در سالن دارالفنون کنفرانس مهمی
راجع بشعرای پارس و پاریس ایراد فرمود .
در این کنفرانس اغلب ادبا و دانشمندان طهران حضور یافته و
باهلله و شادمانی و کف زدن های بی دریغ احساسات جمیله و
نطق بلیغ مستشرق معظم را تقدیر و استقبال میکردند .
در خاتمه نطق، آقای ادیب السلطنه وزیر داخله و رئیس
انجمن ادبی از مستشرق محترم بلام ادب و شعرای ایران اظهار
خرسندی و امتنان فرمود .
سپس آقای حاجی میرزا حبیبی دولت آبادی خطابه بلیغی
آمیخته با امتنان و تأیید از مستشرق محترم ایراد فرموده و در
پایان يك قطعه شعر شیوا از آثار خود انشاء کرد و با مسرت و
کف زدن حضار مجلس ختم گردید .
مآینا این کنفرانس را که حاکی از وحدت افکار شعری
پارس و فرانسه است برای استفاده ادبای دور و نزدیک طبع و نشر
میکنیم و در خاتمه قطعه آقای دولت آبادی و نیز قطعه شعرای
که نگارنده ارمغان در موقع ورود مستشرق محترم در انجمن ادبی
ایران انشا کرده مینگاریم که بوسیله مستشرق محترم چنانچه شفاها
و عده فرموده اند روابط انجمن ادبی ایران یا انجمنهای ادبی فرانسه

همواره محکم و برقرار شده ادبای دو ملت با چنین وحدت افکار و مباحث از یکدیگر بتوانند استفاده و استفاده کنند .

كنفرانس

آقاریان

انجمن ادبی ایران بنده را بدرخواست صحبت داشتن روابط ادبی بین ایران و فرانسه مفتخر داشت . خیلی مشکل است که این مطالب را بتوان در مدت یکساعت مذاکره کردن خاتمه داد . زیرا مبحث بس طولانی است و چندین کنفرانس برای شرح این مسئله لازم است لذا باید امشب بذکر قسمتهای مهم قناعت کنیم لابد تصدیق میفرمائید که تکلم داشتن در زبانی که عادت بان ندارند خالی از اشکال نیست ولی حضرت اشرف آقای وزیر داخله فرموده اند که بفارسی صحبت کنیم ^{گاه او گزینی و در طول کنفرانس} اشتباهی در تلفظ و یا ساختمان جمل و ^{تفاوت} اتفاق افتد و آن طور که باید ادای حق زبان شیرین شما نشود عذر میخوام و البته خواهید پذیرفت ، عرب میگوید (العذر عند کرام الناس مقبول) امیدوارم که مراتب دوستی و عشق قابی خود را بتوانم راجع به ادبیات ایران معروض بدارم (عرض کردم که این مبحث خیلی وسیع است و برای آنکه مطالب مبحثهای بزرگ خوب فهمیده شوند و صحبت داشتن در آنها آسان و روشن باشد باید بقسمتهای چند آنها را تقسیم نمود و در هر قسمتی جداگانه حرف زد و بنظر بنده مذاکرات امشب بقسمتهای ذیل

باید تقسیم شوند. اولاً مشابهت بین ادبیات ایران و فرانسه و چگونگی انبساط آنها. ثانیاً بیان کارها و اقداماتی که برای شناساندن تمدن ایران در فرانسه بعمل آمده. ثالثاً ذکر مثالهای چندی برای فهمیدن و دانستن شباهتی که بین اشعار ایران و فرانسه موجود است. اگرچه بحث در خصوص روابط سیاسی بین ایران و فرانسه موضوع مذاکرات مانیست لکن از ذکر مقداری از آن ناچار و مختصراً سفراتی که در ایران و فرانسه از دو طرف رفت و آمد داشته اند یادداشت میکنیم. من جمله ارغون و تیمور سلاطین ایران با پادشاهان فرانسه سفیر و وزیر بدربار یکدیگر روانه کردند همینطور در زمان سلطنت لوی چهاردهم چندین سفیر فرانسوی به دربار ایران آمده و از ایران هم سفیری Vresalli فرستاده شد. البته فراموش نقرموده آید که شاهنشاهی ایران در اول کاردان را با چندین صاحبمنصبان نظامی بدربار امیر خاقان مغفور اعلی حضرت فتحعلی شاه قاجار بمأموریت فرستاد و روابط دوستانه بین این دو مملکت برقرار شد. همه میدانید که مستشرق بزرگ فرانسوی موسوم به fuzené doré مساعی جمیله برای توسعه معارف در ایران نمود و اوست که دولت فرانسه را مصمم داشت که ایجاد سفارت خانه دائمی در ایران بکند ورشته و داد را بین این دو ملت محفوظ دارد واقعا اگر بناشود در دنیا دو مملکتی را که شبیه باشند در

ذوق و در تمدن با هم مقایسه نمایند باید ایران و فرانسه را انتخاب نمود. این مشابهت در انبساط ادبیات دو مملکت فوق الذکر گملاها و بیداست که ذیلا عرض خواهد شد. ادبیات شما از شاهنامه فردوسی که جنگهای ایران را با دشمنانش شرح میدهد شروع میشود ادبیات ما هم تقریباً مطابق همان زمان از Cdanson de Rolam اشعار رولان که جنگهای فرانسه را با دشمنانش نقل میکنند آغاز می نماید.

اشعار رولان اگرچه نسبت به شاهنامه مختصرند لکن از بابت حس وطن پرستی خیالی بهم شبیه و نزدیکند شاهنامه جنگهای تاریخی بزرگ رستم و اسفندیار و دیگر شجاعان ایران را بیان نموده و افتخارات تاریخی شمارا ذکر کرده است: اشعار رولان هم تاریخ جدید و کوششهای برادرزاده شارلمانی را Cuarlemapi برای جلوگیری کردن دشمنان و ممانعت ایشان از تصرف خاک فرانسه اشعار میدارد و مرگ را بر عقب نشینی و فرار از دشمن ترجیح میدهد افسوس میخورم که وقت ندارم تا چند شعری از گفتههای رولان را با اشعار فردوسی مقایسه نمایم. با وجود این نمونه از اشعار رولان را عرض میکنم. مثلاً جنگی که بین شارلمانی Cqarlemani و اعراب اتفاق افتاده و شارلمانی برای خونخواهی برادرزاده اثر آمده است این قسم نوشته شده:

پادشاه فرمان نواختن شیپور داد و با سپاه بزرگ خود سواره در

تعقیب عرب‌های شکست خورده که فرار میکردند حرکت نمود و چون آمدن شب را مشاهده کرد بر غلغله‌های سبز چمن فرود آمد و به سجده افتاد از خدا طلب کرد که آفتاب برایش توقف نماید تا شب دیر شود و روز مداومت کند. اینک فرشته که غالباً با او صحبت میکرد چنین امرش نمود که: سوار شو روز مداومت خواهد کرد و خدا میداند که بهترین سربازان فرانسه کشته شده‌اند و باید داد ایشان را بگیری. پس پادشاه سوار شد و آفتاب توقف کرد عرب‌ها دائماً در فرار و فرانسویها در دنبال آنها مرکب میراندند. پیشاپیش عرب‌ها رودخانه عمیق و سیلابی است و چون کشتی نداشتند خود را برود خانه انداخته و غرق میشدند، و در جای دیگر این شاعر میگوید که فرانسویها و اعراب چه قدر خوب جنگ میکنند، نیزها و شمشیرها شکسته میشوند و از دیدن سپرهای سفته و شبنم‌های جوشنها و چکاک‌های سپرها با خودها و سربازانی که به زمین افتاده جان میسپردند و ناله میکردند درد بزرگی برای انسان حاصل میشود. ^{روشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی} ^{رتال علم علوم انسانی}

علاوه بر شاهنامه اشعار دیگری که اثر افکار شعری دیگری هستند و شبیه به شاهنامه نوشته شده‌اند در ایران وجود دارند از قبیل گرشاسب‌نامه - برزنامه - سمن‌نامه و غیر ذلک. ما هم همچنین غیر از اشعار رولان در ادبیات مان داریم شعرهای زیادی که جنگ‌هایی که بین شاهزاده‌های ایالت فرانسه اتفاق است حکایت میکند. مثلاً

اشعار Kaoul de Compraj و مخصوصاً کتاب بزرگ لورن
 Lorraid که از چندین قسمتهای مختلفه مرکب است ، بنده کتاب
 لوران را بر سایرین ترجیح میدهم زیرا تاریخ ایالتیکه در آنجا
 نواد یافته ام بیان میکند . اشعاریکه اخیرا ذکر کردیم از جنگها
 صحبت میدارد و میتوان آنها را با قسمتی از شاهنامه که از جنگ
 های ایران و افراسیاب حکایت میکند مقایسه نمود و در واقع
 يك وحشیگری شبیه بهم در اشعار فردوسی و شعرای فرانسه ذکر
 شده است . تمام این اشعار تقریباً در يك عصر در ایران و فرانسه
 تهیه شده اند و بنده بدکر مهمترین آنها مریز دازم زیرا باید چیزهای
 دیگری هم بعرض برسائیم و این مسئله تعجیل امر را تقاضا میکند .
 از اشعار رزمی صرف نظر کرده و بقسم دیگر از آن متوجه
 می شویم .
 در ادبیات شما بعد از فردوسی حکیم نظامی است که زندگانی
 تازه با اشعار داده است . در فرانسه بعد از شعرای رزمی شعرائیکه حوادث
 ناگوار عاشقهای خسته دل را را بیان میکنند بوجود آمدند ، اگر شما
 قصه لیلی مجنون و خسرو شیرین را دارید ما هم حکایت القاسم
 Tucasz de vledeth و اشعار دیگری را که بهمین روبه
 نوشته شده اند دارا هستیم . شما در ادبیات ایران بکتاب بزرگ
 که موسوم است به ویس و رامین خوشنودید . مطابق این کتاب
 ما هم در ادبیات مان داریم کتابیکه هماقندر خوب و غم انگیز

است و آنرا Tlstpn et Sseulk مینامند. در این کتاب قصه دو عاشق که تقدیر ایشان را بدوخت داشتن هم وادار کرده ولی از نفس مدافعه میکنند تا آنکه مقابل وجدان خود مقصر نباشند ذکر شده زیرا این عشق شبیه بود مثلا به عشق سودابه به سیاوش . علاوه بر این نظامی اسکندر نامه بنظم در آورده که کارهای اسکندر کبیر را بیان میکند ، ماهم بزبان فرانسه رومان بزرگیکه موسوم است به اسکندر نامه و حکایات این شخص مشهور را ذکر میکنند داریم . در اسکندر نامه نظامی اسکندر بقصد بدست آوردن آب حیات عزیزت گرفته است همینطور در بعضی از اشعار ما احوالات اشخاص بزرگی که در جستجوی گنج معنوی رفته اند مذکور است و بیان می کند که این گنج بدست نیامد مگر پاک دامن و نزدیکی یافتن به خدا و میتوانیم ثابت کنیم که اشعار کتاب Persnal و کتاب Craal خیلی نزدیک اند بتصوف .
 مسلم است از قبیل مثنوی و خدیقه الحقیقه در ادبیات ما کتابی نوشته اند . معینا در اشعار فرانسه مثلا در کتاب آینه نفس گنناد کار Kirie le Lam^o Piepereme تقریبا همین افکار بیان شده اگر چه عبارت بطرز دیگریست . کتاب بزرك مارا که مرگب است لااقل از بیست هزار بیت و موسوم است به Romande le Rose گل نامه میتوان در مقابل مثنوی قرار داد . آنگل که شاعر از او صحبت می دارد گویست که علامت عشق خدا بخش میتوان نامید

و بدست آوردن او برای عاشق میسر نشود مگر بعد از رنج زیاد . و این خیلی شبیه است به مقاماتی که صوفی برای وصول به حق معتقد است . گیل نامه مذکور هم عصاره است با مثنوی و ملاحظه میفرمائید که اجداد ما و شما در قدیم دارای افکاری بودند که بهم نزدیکی و شباهت داشتند . در همین قسم از ادبیات مذهبی شما کتاب هائی از قبیل تذکرة الاولیا و نفحات الانس دارید که در آنها میتوان از زندگی و احوال صوفیهای بزرگ شما مطلع شد . در ادبیات فرانسه ما هم مقدار زیادی از این کتب داریم که احوال و طرز زندگی مقدسین و شهدای فرانسه را بیان میکنند . لکن فرقی که وجود دارد عبارت از آن است که این قسمت از ادبیات شما بنثر نوشته شده و ما تقریباً تمام شعر است . در ایران شعرا از دیرزمانی شروع بنوشتن دیوان کرده اند و همیشه دربارگاه سلاطین و پادشاهان با قدر و منزلت بودند . در دربار سلاطین سامانی و غزنوی شعرای ذیل زندگی میکردند رودکی ، کسایی ، شهید بلخی ، عماره ، غیر ذلک . همینطور تقریباً مطابق همان زمان شعرائیکه در فرانسه شعر و غزل را بنظم در میآوردند بحضور شاهزادگان محترم بودند . لابد میدانید که در آن وقت در فرانسه بدو زبان مختلف شعر میگفتند . در ایران هم شعرای کرد مثلاً بزبان خودشان شعر میگفتند که مختلف است بازبان فارسی . و در فرانسه هم عده از شعرا بزبان پروانسال Provansal

شعر میگفتند، میفرمائید که چقدر این اشعار شباهت دارند با اشعاری که در تصوف گفته شده‌اند اینک برای نمونه قدری از ترجمه آنها را عرض مینمایم:

KPnsOn HilK P 83

عشق چیز بزرگ‌گیت و بقدری نفیس است که هر باری را سبک میسکند عشق انسان را به عملیات او میدارد و همیشه اسباب آن میشود که عاشق تکمیل و مقام بلند تری را آرزو میکند هیچ چیز شیرین‌تر، قویتر، رفیعتر، وسیعتر، کاملتر، و بهتر در آسمان و زمین از عشق نیست. عشق اندازه وحیدی ندارد. عشق سنگینی و زحمت را حس نمیکند و بیشتر از آنچه که قدرت دارد طاب میکند و هیچ چیز را محال نمیداند و گمان نمیکند که هر کاری ممکن است. در عشق بدون درد زندگی نتوان کرد. آنکسیکه نتواند رنج بکشد و نتواند مطابق میل دوست رفتاری کند قابل آن نیست که عاشق نامیده شود.

مشاهده فرمودید که چقدر فکر شعرای پروانس Provenç شباهت دارد بفکر اهل تصوف و به اینجهت مقایسه اشعار ایران و فرانسه بموقع و به جاست و اینطرز اشعار پروانس را Provenç نزدیک بدو قرن شعرای شمال فرانسه تقلید کردند و در این مدت در مملکت ما اشعاری بوجود آمدند که بعینه مانند اشعاری بودند که در مملکت شما راجع به تصوف گفته شده‌اند.

در ادبیات شما يك قسمتی موسوم است به مناظره و نویسنده معروف این قسمت اسدی طوسی است . تصور تقرباً ایند که مناظره فقط در ادبیات ایران وجود داشته باشد زیرا ما هم در ادبیات فرانسه این قسمت را که بزبان خود Tenson مینامیم دارا هستیم . افسوس میخورم که در طهران نتوانستم کتابی که مشتمل بر Tenson باشد بیابم تا بتوانم شباهت قریبی که بین مناظره و Tenson وجود دارد عرض کنم . بالاخره در ادبیات قدیم شما در کتاب هائی که به نثر نوشته شده اند تاریخچه هائی هستند که مخصوصاً از احوال حیوانات صحبت میدارند مثل مرزبان نامه . ما هم مرزبان نامه خودمان را داریم که موسوم است به روباہ نامه Roman De Renard و همیشه زیاد میخوانیم . از طرف دیگر اشعاریکه پیش ما موسومند به Padlihaip خیلی زیادند مثل مجموعه قصص و حکایات شما . در این موضوع خیلی مختصر شباهتیکه در افکار La Fontaine لافونتن و سعدی یافت میشود بحضورتان ذکر میکنم بجهت آنکه آنگاه آنگاه وقت نداریم که برای شرح اینقسمت بطور کامل کافی باشد . سعدی و La Fontaine هر دو با فصاحت و لطف و سادگی تکلم کرده اند و میتوان گفت که زندگانی را این دو شخص بزرگ بیک قسم فهمیده و بیان نموده اند .

در اشعار بزرگ مثل رولان و لوران و دیگران که قبلا شرح رفت حالت توانگران و نظامیان مذکور بود . اما در کتب Fadliam که عبارت است از قصص کوچک احوال فقرا و مردمان ضعیف را مییابند . و در واقع این حکایات غالبا راجع به اشخاص بازاری و مردمان معمولیست که در کتابهای شما مثل جامع التعمیل مثلا زیاد است . از دو طرف يك خیال شوخی و حتی مسخره نوشته شده . اما این مسخره سوء قصدی نداشته و فقط ذکر عادات مردم را کرده بدون آنکه آنها را انتقاد نماید . خلاصه پیش شما و نزد ما يك ملایمت و يك ادبی حکمفرما بوده و هیچوقت فکر خشن و مودی در این دو ملت یافت نشده .

از این مرحله که بگذریم بشکل جدید دیگری در ادبیات بر میخوریم نه تنها در فرانسه بلکه در ایران هم و آن عبارت است از تیاتر . تیاتر در ایران دیرتر شروع شد و در ابتداء نمایش های مذهبی را ب معرض تماشا در می آوردند . و از وقتی که مستشرق فرانسوی معروف به Chobyko ترجمه کرد تعزیه را که در بین شما معمول بود این قسم از تیاتر که در پیش ما Ragédje تراژدی نام دارد شهرت زیادی یافت . این تیاتر غم انگیز در فرانسه مطابق قرن ششم هجری شروع شد و مثل پیش شما نزد ما هم در آغاز کار مذهبی بود و در جلوی دروازه معبد ها و کلیسیاها تیاتر را نمایش میدادند آیامی دانید که در این تیاتر ها چه قطعه هایی

را بازی میگرداند؟ در یکی از آنها تاریخ آدم و حوا و در دیگری درد ورنجی که اولیاء و شهدا از ظالمین میکشیدند نشان میدادند مشاهده فرمودید که چه قدر مشابهت بین ادبیات شما و ما یافت میشود. و باید این نکته را هم خاطر نشان کرد که این شباهت بدون آنکه ادبای این دو ملت قصدی داشته باشند حادث شده برای آنکه ادبیات ایران و فرانسه نسبت بهم تأثیراتی پیدا کنند و شعرای این دو مملکت اشعار یکدیگر را تقلید نمایند قدری صبر لازم است واضح است که امروزه ترتیب انشاء در ایران مخصوصاً جریده نگاری خیلی نزدیک شده به طرز انشاء فرانسه و همینطور در فرانسه تأثیر زیادی طبقه انشاء فارسی پیدا کرده و چیز نویسیها تقلید میکنند. سه قرن میگذرد از وقتی که Du Riquo گیلستان سعدی را بفرانسه ترجمه کرده و در این مدت در فرانسه کسر کردن نام اسامی کسانی را که در فرانسه شاعر بزرگ شمارند تقلید کرده اند و از انشاء او استفاده نموده اند اسباب طول کلام میشود: با وجود این دو سه نفر از این نویسنده ها را عرض میکنم مثلا Saint Lambert روش سعدی را در کتابی که نوشته و امروز کمیاب است تقلید کرده است (بقیه دارد)

احزاب سیاسی و انقلاب روسیه

سوسیالیستهای انقلابی

پروگرام سوسیالیستهای انقلابی در چندین قسمت شباهت